



«زن» فاصله بهشت و زمین

است، زنان را تا پایین‌ترین جایگاه خود تنزل داده و آن‌ها را به عنوان کالاهایی انسانی در اختیار خود گرفته است. این تحول چون براساس خواسته‌های پست انسانی بوده است، زمینه‌ساز حضور آنان در محیط‌هایی متفاوت گشته است؛ حتی برخی از بانوان را بر آن داشته که رسالت اصلی خویش را فراموش کرده و شاید ناخواسته خود را غرق در باتلاقی از فعالیت‌های فرعی ببینند و همه این‌ها باعث شده است که زن در جوامع امروز، تنها برای رفع نیازهایی لحظه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. این استفاده البته تنها در سودجویی‌های جنسی خلاصه نمی‌شود، بلکه در استفاده از توان ارزان قیمت آن‌ها در چرخش چرخ کارهای اقتصادی هم بروز و ظهور دارد. به هرحال، زن امروز برای آنکه تعادل خود را به نحوی نادیده بگیرد، حتی سعی در حل مسایل خود از طریق دست‌یابی به تئوری‌های فلسفی و ایجاد ایدم‌های مختلف نموده است.

نکته روشن آن است که اگر زن بخواهد جایگاه بهشتی خود را در زمین حفظ کند و دستخوش امیال پست مردان نشود، باید به آنچه خداوند از او خواسته، تن دهد و در غیر این‌صورت همین می‌شود که امروزه کم‌کم زنان در حال تصاحب جایگاه مردان هستند و البته ماهیت فعالیت این دو در فرایند هستی هیچ سختی با هم ندارد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که پرداختن به فعالیت‌های اصلی برای زنان نه تنها آن‌ها را از مردها عقب نمی‌اندازد، بلکه به نظر می‌رسد آن‌ها را به جایگاهی می‌رساند که هیچ مردی توانایی رسیدن به آن ندارد. به عبارت دیگر، فعالیت مردان از جنس فعالیت‌های خشن اجتماعی است که زنان به جهت انسان بودنشان می‌توانند به راحتی به آن برسند اما حوزه فعالیت زنان به هیچ وجه نمی‌تواند توسط مردان تصاحب شود و این برتری باعث می‌شود که اگر زنان جایگاه اصلی خویش را گم کنند، جوامع بشری از نقش انسان ساز آن‌ها محروم مانده و خدا می‌داند چه بلایی بر سر آدم ابوالبشر خواهد آمد.

درک درست و واقع‌گرایانه بانوان از جایگاه خود هم باعث رشد جوامع می‌شود و هم مقابله‌ای است در برابر آنانی که به زن به عنوان یک کالا نگاه می‌کنند.

برای بانوان دور از دست نیست که با رویکردی خردمدارانه به فعالیت‌های اصلی خویش بپردازند و هدایت جوامع را به دست گرفته و آینده بشریت را رقم بزنند.

چندسالی است چرخ دوار دنیا سمت و سویی را می‌پیماید که تمام معادلات انسانی را به هم زده است. معادلاتی که از یک‌سو خاستگاهی فرانسوی دارد و از سوی دیگر، برای پیشرفت بشر نسخه‌ای متعادل بوده است. این تغییرات از روابط اجتماعی افراد گرفته، تا نگاه‌های معرفتی انسان‌ها را به مقوله هستی در بر می‌گیرد. اگرچه فن‌آوری زندگی‌ها را مرفه‌تر کرده است، اما گم‌شدن ویژگی‌های انسانی در این تکاپو، معضل اصلی جامعه امروز است. با یک نگاه گذرا به اطرافمان می‌توانیم به راحتی شاهد مصادیق این تغییرات باشیم. البته برای ما انسان‌ها این تحولات از سویی خوش‌آیند به نظر می‌رسد که این ظاهر آن است؛ اما اگر با اندکی تأمل به آن بنگریم، درمی‌یابیم که تحولات قرن بیستم و بیست و یکم آشتی ناهنجاری را به ما تحمیل کرده است.

گرانی زندگی‌های امروز، سرد شدن روابط انسانی، افول معنویت، جای‌جای شدن جایگاه آدم‌ها، سرگردانی دایمی انسان در تلاطم خواسته‌های گوناگون و ... را از مظاهر این آشتی می‌توان به شمار آورد.

یکی از تغییراتی که به نظر می‌رسد بسیار با اهمیت و قابل تأمل است، نوع نگرش قرن بیست و یکم به «زن» و ویژگی‌های او است. در گذشته جوامع بشری، «زن» عنصری با احساس و درک عاطفی بالا بوده است که بنیان عاطفی خانواده بر آن بنا می‌شده است و دامن مهربان او پناه آدم‌ها در مقابل خستگی‌ها، روزمرگی‌ها و تلاطم‌های اجتماعی بوده است.

اگر به جایگاه زن در ادیان الهی نیز توجه کنیم، باز به این مساله می‌رسیم که بانوان روی عاطفی دنیا و فاصله زمین و بهشت بوده‌اند. به نظر می‌رسد اگر انسان از بهشت رانده شده است، تنها با همراهی بانوان و استفاده از توانایی‌های آنان می‌توانسته برای لحظاتی خود را در بهشت ببیند. این نقش بسیار چشمگیر در دو فعالیت بانوان بسیار به چشم می‌خورد. اول آنکه بانوان نقش مادری جامعه را به عهده دارند و مادر استوانه‌ای از مهربانی است که با دست نوازش خود به پرورش انسان می‌پردازد و دوم همسری است که در حقیقت فاصله خشونت‌های روزگار و سختی‌های زندگی را برای مردان پر می‌کند و مردان همواره در سایه عاطفه زنان به آرامش می‌رسند. این تنها ویژگی‌های بارز دو نقش اصلی زنان است که البته این روزها بسیار نادیده گرفته شده است.

اما تغییراتی که در زندگی‌های امروز رخ داده



مریم گلوردی

توصیه‌های پدرانه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، مجلس را مظهر مردم سالاری دینی خواندند و با تشریح وظایف نمایندگان مجلس، در حل مشکلات و روند پیشرفت کشور، تأکید کردند که مجلس باید آئینه تمام نمای عزت، استقلال، پاسداری از منافع ملی و مقابله با سلطه‌جویان جهانی باشد.

منشور مهم رهبر معظم انقلاب به مجلس هفتم

- پاسداری از مصالح ملی
- پاسخ‌گویی به ملت
- مقابله با دشمنان عزت و استقلال کشور
- مبارزه با فساد و پرهیز از اسراف
- کم‌کردن شکاف طبقاتی
- پرهیز از درگیری‌های زشت جناحی و گروهی و فردی

۱- موضع‌گیری سیاسی مجلس می‌تواند دشمنان را امیدوار و گستاخ کند و یا برعکس، آن‌ها را از دستیابی به هدف اصلی مراکز قدرت جهانی یعنی سیطره مجدد بر ملت و کشور ایران، ناامید سازد.

۲- مجلس باید با موضع‌گیری صحیح در پایداری سرنوشت‌ساز ملت در مقابل دشمنان استقلال و عزت این سرزمین نقش ویژه خود را به خوبی ایفا کند.

۳- ملل توسعه ایران باید براساس شرایط فرهنگی، تاریخی و ایمان و اعتقادات مردم، کاملاً بومی بوده و ضمن برخورداری از تجربیات دیگران، از مدل‌های توصیه شده بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و کشورهای دیگر الگوبرداری نشده باشد.

۴- تمام خاطرات خوب ملت ایران از امیرکبیر، به دوران سه سال مسئولیت او بر می‌گردد و بنابراین چهار سال، مهلت کمی نیست، به شرط آنکه حتی یک روزش را از دست ندهید.

۵- اگر همه ارکان کشور و دستگاه‌ها به وظایف مشخص شده در چشم‌انداز بیست ساله عمل کنند، ایران ظرف بیست سال به نقطه اوج خواهد رسید.

۶- خوب شدن در ولایت اصولاً معنی ندارد، چرا که رهبری هم باید در اسلام خوب شود، تا احترام داشته باشد. بنابراین همه باید در اسلام و اهدافی که اسلام برای سعادت ملت ترسیم کرده است و در واقع در ملت خوب شویم.

۷- استقلال ملی، عدالت اجتماعی، کم‌کردن شکاف بین فقیر و غنی و مبارزه با فساد، از وظایف اصلی نمایندگان می‌باشد و اداره صحیح کشور متوقف به مبارزه همه جانبه با فساد است.

۸- نمایندگان مجلس باید در مقابل ارزشگاه‌هایی نظیر مال و ثروت، هوشیار باشند و هر قدر می‌توانید در پرهیز از اسراف و زیاده‌روی، پافشاری کنید.

۹- میان جنجال‌های دیستانی و حزبی با مباحث و مجادلات متکی بر انگیزه‌های صحیح، تفاوت بسیار عمیقی وجود دارد و مجلس باید ضمن پرهیز کامل از درگیری‌های زشت جناحی، سیاسی و فردی از مباحثات راهگشا و پرشور، کاملاً بهره بگیرد.